

# افراد تحت تعلیم



## ۱- دانش‌آموز دبستان

هفت سالگی دوره: کودکی بررک آغاز می‌شود. دوره‌ای که طی آن کودک با ما- تر بیسرار محیط سعی دارد خود را درنالیی بررک فرار دهد. هر چند او سعی نوآند مفاهیم خود را مثل بررکسالان بیان کند، ولی سعی می‌کند تا خود را مثل بررکسالان بسازد.

مرحله: بررکسالی که کودک باید بعد آن برسد، در این دوره شروع به ظهور می‌کند، چون

باآغار هفتسیر سال زندگی، دوره حدید پیشرفتهای اجساعی کودک آغاز می‌شود. در این مرحله از زندگی، کودک با ورود دردنیای آموزشگاهی زیر پوشش سوی از زندگی فرار می‌کیرد.

بطوری که روانسازان معیندند، با شروع

در این دوره است که حیثیت فکری در او بسط می شود. او سعی دارد از امور ارزشمندی کند. مدرسه در این دوره سعی کودک را می بندد. دوره ای که اندیشیدن، درست گفتن و نگارگری هوش سطحی را دربردارد. او باید در این مرحله از سن خود، خوب و بد را بشناسد تا در برقراری به آزادی انسانی دست یابد. "درست نضاب کند، درست نصیم بگرد و صحیح عمل کند." مدرسه برای کودک، دنیای جدید و ناشناخته ای است که موجب می شود تا نحوی دریابد که دنیای بیانی که او فکر می کرد تا محدود نیست.

کودک از خود می برد، مفهوم این دنیای بیگانه چیست؟ او کجا آمده و چگونه آمده است؟ او تا طی سالی چند، وجود خود را به ندیم عینی مطالب معطوف می دارد. بطوری که سعی می کند تا به مفهوم زبان، مکان، کسب و علت می برد. هم عرض این بوجه، طرز فکر "کاری" در او اوج می گیرد. بدینسان کودک سعی دارد تا کار عقلی به دست گرفته و بسط انجام بدهد. این راه را بسیر حین و حق خود تا محیط انتخاب می کند. در سالیهای آخر دنیای که او از هر ده سالگی می گذرد، سعی دارد تا نفس خود را در دنیای خارج بد تا بسط بدهد. مدرسه او را با زبان بوسن به حرد سطحی مسائل، رهبری کرده و در هدفتابی این کمک می کند. حد کسب دنیای اجتماعی و ندیم تا بوسن رندگی به بند و وسعت فکری کودک از این راه عاید می شود.

به طور کلی مدرسه به معنی اعم، انداکر بندر تعلیم و تربیت رسمی است که دستان بدل از همه مدارس این وطنند. خطیر را معنی شده می کرد. بطوری که کند سد، در دوره سن



دنیای علاوه بر آثار شکل گیری حسن تضاب و تکوین حسن احساسی بدن در کودک، اراستکه امکان دارد که فرد سن از زبان دوره ابتدایی به تعلیمات سطحی روی آورد و تعلیمات بسن را دنبال نکند خیر احساس است

تا بوجه بد آنحد که دگرسد نفس دنیسان در تربیت کودک، کاملاً روس می شود، نقشی که باید تا بند تربیت صحیح بتواند درست اتفاق سد و بد سر برسد.

نفس بند تربیت مدرسه فقط در نظامیم برانده های کلاسی و تعیین وظائف معللمان و کارکنان خلاصه می شود. بلکه بند تربیت مدرسه باید معطوف به رشد عقلانی و ایجاد احساس سطحی کودک باشد. حد در دوره گذر کودکی بخصوص در بسن هفت و هشت تا کسبش

تفکرات، کودک اجاره، سکوفایی استعدادهای خود را پیدا می کند. راهنمایی و ایجاد امکانات برای او از نظر برنامه های درون و بیرون کلاسی عامل اصلی مدد کار او در این زمینه است. به طور مثال مسافرت یک روزه دانش آموز ربر

برنامه های بیرون مدرسه ای، درسیوم کردنیهای علمی و برخوردهای اجتماعی به حکیم این حسن کمک نماید. پس اگر قبول کنیم که در نقش مدرسه، اجتماعی کردن دانش آموز نیز مستتر است، بنابراین رکن اعظم انجمن نفس



نظر مسئولان مدرسه می تواند، در نگارگری هوش و استعداد کودک بیشتر از مطالب درس کلاس درسند موثر باشد. جدیدترین طریق برخورد با واقعیتها به طور ملموس است. بطوری که مذکور افراد ایجاد حسن تفاوت و تشخیص ارزشهای موجود اجتماعی از یکدیگر در سالهای آخر دبستان شروع می شود. وجود این حسن که بهترین عامل پیمای رشدگسی استانیست در سنین سنین انجام می یابد. حسن تفاوت طی برخوردهای اجتماعی در قالب برنامه های دست جمعی مسر واقعی خودرابطی می کند. مدیریت مدرسه می تواند با تنظیم

اجتماعی می تواند معطوف بر مدیریت صحیح مدرسه باشد. مدیریتی که بتواند، به دانش آموز کوش دهد. ارتباطات انسانی بین خود و او برقرار سازد، و از راههای مختلف در کسری صحبت کلی او همت کند. لایحه جنسی مدیریتی دانش آگاهانه ای لازم از مهارت های حساسی و روانی دانش آموز است. البته تخریب در برنامه ریزی و برخورداری از انتقارات مکتب آن است.

۲ - دانش آموز دوره اول دبیرستان (راهنمایی)

از توارن بخشیدن به دو حیث حسنی و رفتاری بوجوان که کمک به رشد شخصیت او می‌کند سپیود می‌باشد. به سرطی نقش مدرسد دارای اهمیت است که شخصیت بوجوان را به ارزشهای واقعی و جمع بندر آراسه و مناسه با قوای جسمانی بوجوان آن را متکامل سارد.

در دورهٔ بلوغ در محیط محدود و منضبط مدرسد. به بدد سرسان آرمودهٔ محرب و آگاه به خصوصیات مراحل مختلف زندگی اسایپا بهر بی توان به مشکلات سبی دانش آموز بی برده و او را در اس دورهٔ سبی بحرانزا باری سمود. حیث رسیدن به اس هدف، مدرسد بی‌بواند، داس آموزان را که دارای رفتارهای سفاوب بی باشند، گروه بندی رفتاری نماید با بای بردن به سد حوی، سلابیت، بی - سفاوبی و . . . نحوهٔ ایجاد ارتباط را با آنها به طور حبعی و فردی سشخص سارد. بدینبی است اس گروه بندیها دائم التغیر است. چونکه به سرور رفتارهای دانش آموز تغییر بی کند. لذا اجاب بی نماید که حیث بازوری اسر تعلیم و تربیت مدیریت مدرسد از همیاری



بایست سرکداسن دورهٔ دستان، کم کم علایم بلوغ در کودکی ظاهر شده و شروع مرحلهٔ بوجوانی نزدیک بی‌شود. اس دوره با مراحل نبل کودکی کاملاً سفاوب است. چون در اس مرحله است که تا نیر عوایل بلوغ بخصوص ار نظر روانی، ظهور رفتارهای بیحده‌ای را در فرد بوجوب می‌شود. بدین نحو که طرز رفتار بوجوان با ظاهر شدن خواسد های سعسدو مربوط به زندگی جمعی و بوسرد رسیدن ار کودکار و سعی در بیوسن به بررکسالان به‌طور سریع و کسبرده تغیر می‌کند. در اس دوره تغییرات جسمانی سر ایجاد می‌شود. کسد مرحلهٔ نکرانی برای بوجوان است. اسن نکرانی ناسی ار عدم آگاهیبای لارم ار تغیرات و تحولات جسمانی است که سد دنبال دکرکوسیبایی را در روحنهٔ بوبالغ بوجوب بی - آورد. بوجوان خود را بهیح وحده سرینست سار و سهول حوش بیی داند. به دنبال سائلی است که حوشالش کند. بدین حیث سعی دارد که محبوب والدین باشد. اسر بورد عاطفی بوجوب بی شود با او که از هدفهای اعمال خود آگاهی ندارد. به خاطر دوست داسنه شدن ار طرف والدین یا سعلین کار بیشتر و بهیری انجام دهد. اما او به سبایی قادر به انجام امور خود نیست. لذا دوست دارد با کمک شود. کیک والدین و راهسانی سعلین، بخصوص در انجام تکالیف، بوحیات بی بردن او سد اهمیت کارش می‌شود.

بوجوان دوست دارد که برای خود بیی ساحب و خود را در قالب آن تراردهد. اسن مرحله، دورهٔ سهیم بارسازی شخصیت اجساعی است که او را در دوران سسن زندگی همسراه خواهد بود. بدین حیث اهمیت نقش مدرسد

معلمان مساعدت شود.

داشتن آموزی کددر دبستان با یک یادونهلم سروکار داشتند و بیتر می توانسد است. باعلم خود ارباط برقرار سارد، در دبیرستان با معلمان سععدی سروکار دارد. که اغلب کبرت دانش آموز کلاس مابع سهولت انجام ارباط او با اکثر معلمان می کردد. لذا انجام وظیفه شاهدده رفتاری و درسبر صحیح قرار دادن رفتارهای نوجوان، برای تک تک معلمان سسر نیست. بدین حیث نقش تربیی مدرسدراس دوره بحران زا، از اهمیت بسزایی برخوردار می کردد. بدین نحو که از طرفی بد نوالخ کمک کند تا خود را با محیط جدیدی که درآن وارد شده است مطبق سارد، و از طرفی دیگر او را در دوران بحران زای بلوغ سد کارباشد. کمکی که بد او قدرت ادراک مسائل سنی اش را

بدهد، و درحلعضلات بلوغ مساورش باشد. بدینسان وظیفه ای دیگر بد غیر از پیاده نمودن برنامه های بدون، اسقال یادگیریها، باوضعی که کدشت آشکار می کردد.

بوضوح می توان گفت، در دوران بلوغار اینکد نوجوان نمی تواند احساسات خود را بهدر کسی بیان کند. دچار عدم تعادل روحی می - شود. مساورب مدرسدره اگر از مدیریت درسی سناست کردد، در ستعادل ساختن نوجوان سی تواند منبع اثری مهم باشد. بعلاوه سالهای دوم و سوم دوره اول دبیرستان برای دانش آموزسبار مشکل آفریس و مهم است. چه بی از این دوره است که او با در دبیرستان و با درمکانهای دیگر آموزشی بد تحصیل می بردارد. با در بازار آراد بد کساری سغول می سود که باید آمادگیهای لارم را



حیثیت زندگی در این محیطها بدست آورد. هرچند مسکن است که در نظر اولیاء و مربیان، دوران بحران زای بلوغ امری طبیعی تحلی کند. ولی چه سا امکان دارد، عدم توجه به مشکلات نوجوان و بخصوص مشکلات عاطفی او در این دوره، او را زردی نگران بار آورد. کودکی که در گذشته از والدین برای خود بنی ساخته بود، در اواخر بلوغ احساس می کند که ایده آلهایش در وجود پدر و مادر خلاصه نمی شود. او باید به دنبال ایده آل تازه ای باشد. در این موقع است که کج رفتاری نوجوان با والدین شروع می شود. ایجاد ارتباط او با والدین، به علت عدم تطابق رفتارهایش با آنها مشکل می آفریند. چه اغلب بر کسالان رفتارهای نوجوان را بدون فهمیدن فقط می بینند.

در این دوره دانش آموز با مسائل عاطفی روبرو است، و از اینکه نمی داند، چگونه خود را به والدین خویش نزدیک کند رنج می برد. این گونه رفتارها در مدرسه تیسر بروز می کند و برای اولیاء و مربیان کم سال و بی تجربه، مدرسه مشکلات بزرگی را بوجود می آورد، که در عین حال موجب افزایش ناراحتیهای دانش آموز می گردد. بدین سبب نقش اولیاء و مدیریت مدرسه با سوجه نه نیارهای سنی دانش آموز در ایجاد رابطه مستقیم با او، به غیر از ارتباط در محدوده برنامه های درسی بسیار مهم و الزامی است. نوجوان باید در این دوره کدر، خود را برای زندگی بعدی آماده سازد. بدین حیثیت باید سائله زندگی کردن را بفهمد، علت عدم رضایت والدین را بداند و علت نپذیرش او از برکنارها را درک کند.



با توجه بر آنچه گذشت می توان گفت که دنیای کوچک مدرسه، بویژه در محیط بیرون کلاسی آن که مستقیماً زیر نظر مدیریت قرار دارد، بوجه بر رفتارهای دانش آموزان در این دوره از سبب اهمیت وظایف مدرسه را دوچندان می کند. یک مدیریت صحیح با بررسی شواهدات معلمان در کلاسهای بسته می تواند رهنمودهای ارزنده ای در اختیار مربیان بگذارد در سطح عالیتر، سازمان آموزش و پرورش میباید خود را در تربیت نیروی انسانی مناسب (معلم) با دوره های مختلف تحصیلی، نه فقط از نظر تدریس مواد درسی، بلکه از نظرات تربیتی دیگر راهنما باشد. بدین سبب تربیت معلم، در سرلوحه برنامه های سازمان تعلیم و تربیت جامعه قرار می گیرد و بر انتخاب افراد آموزش ندیده به عنوان معلم و کسب آشنادر ساخت مقدس کلاسی درس خط بطلان می کشد.

